

است زیرا انقلاب مربی اشخاص ژنی و نابغه است .
 بنا بر این اصل مهم هر روزیکه در اجرای انقلاب بر ضد
 آخوند بیسواد فرو گذاری شود دشمنی با ایران و ایرانی شده
 است باید با تمام قوا زمینه يك انقلاب مذهبی را در ایران تهیه نمود.
 قاهره — حبیب‌الله قزل ایاغ پور رضا



مردان نامور

زریاب پارسی

[بقلم سید محمد توفیق بقیه از شماره ۲]

زریاب در اسالیب موسیقی متفنن بود. در اندک ایامی موسیقی
 عرب را دارای مقامات و فصول گوناگون کرد. نغمه‌ها و اصوات
 و مواقف غناء عربی را، این نادره عجم آنقدر بزودی از خشکی
 و خشونت و يك آهنگی و اطراد آزاد کرده و بقدری در اصلاح
 و تحسین آن کوشید که میتوان گفت که همت عالمانه و صنعتکارانه
 او تا دامنه قیامت باقی مانده است.

یکانه آلت موسیقی عرب «عود» را با يك زبردستی مخصوصی
 تعدیل و تبدیل نمود، حجماً او را کوچکتر، زیبا و قشنگتر کرد
 و بر شماره اوتارش وتری افزود که در آن زمان میان اساتذۀ
 موسیقی به «وتر زریابی» شهرت شعار گردیده بود. بلی اوتار
 عود در زمان او در دیار اندلس به پنج وتر رسید. همین عالم
 روحنواز نخستین کسی بود که مضراب را از شاهر عقاب و
 کرکس ایجاد نمود و صدای عود را بوسیله آن پر نازک بظنت
 انداخت. پیش از ایجاد زریاب مضراب را، اعراب از چوب و

تخته میساختند و طنین و این از اشکم عود مانند صدائی که از سینه مریض بر آید، بخارج منعکس میگشت و بجای سرور، نشاط و طرب، بسامعین کدر و اندوه وارد مینمود. اینست جملهٔ عالی و ادانی باتفاق کله ویرا در فنون مختلفهٔ علم اصوات و اغانی یگانه و بزرگترین استاد می‌شمردند. و با تجربه و دانش خود بر تمام رؤسا و مختصین باین فن بلندی و برتری اندوخت.

هنگامی که گوش آلت را — برای کوك کردن — می پیچید، گوئی استاد با خبرتی بود که بشاگردش گوشمالی میداد. و اثنای نواختن عود نه تنها آدمیان را بلکه در و دیوار را هم بوجد می‌آورد.

مزایای زریاب نه جداگانه منحصر بموسیقی بود، در سعهٔ حفظ و وسعت قریحه، وحید عصر و فرید دهر خود شمرده میشد. محفوظاتش بهترین مسموعاتش را تشکیل میداد.

در الحان و اغانی ده هزار قطعه از برداشت. همین نکته بر فراخی اطلاع و وفور ذکای او بزرگتر شاهدهی میباشد.

محض توسیع معلومات مطالعین این سرگذشت، اینک ما در این نامه حسن شهادت «مقری» را که یکی از فحول علما و مورخین آنزمانست از زبان عربی ترجمه و اقتباس مینمائیم، تا که پایهٔ بلند زریاب و درجهٔ مهارتش را در انظار مجسم نموده و ثابت کنیم که در تمدن و حضارت «اندلس» این راد مرد عجم را فضل و مدخلیت عظیمی در کلابوده است. مقری چنین گوید:

«زریاب گذشته از قدرت علمی و دانش موسیقی، خصال حمیدهٔ بسیاری را نیز دارا بوده. در ظرافت و فنون ادب، و لطف معاشرت ممتاز و آداب مجالست و طیب محادثات و مهارت کامل در خدمت و حضور پادشاهان را کما ینبغی دانا بوده، بجدی که از

همکاران و هم مسلکانش هیچکس در این وادی بر او سبقت نتموده؛ چنانکه خواص و پادشاهان اندلس ویرا سرمشق اتخاذ نموده و آنچه زریاب از قیل آداب و اطعمه در آنسرزمین ایجاد کرده، همه مانند سنن و قوانین بر قرار گشته و موجب استحسان عمومی گردیده بود؛ چنانکه تا آخرین ایام رونق اندلس اختراعات و ایجادات مشار الیه بنام وی یاد شده و همیشه منسوب باو بوده و با آثار جلیله و افعال برگزیده او مشهور و معلوم بوده است. از شهادت «مقری» چنان استنباط میشود که صاحب محترم سرگذشت ما در اندلس برای بزرگان و پادشاهان نه فقط موسیقی و الحان را بارمغان پیش کرده، بلکه انواع آداب ظریفه، نکته گوئی، محاضرت و محادثت و بسیاری از فنون و اخلاق را نیز بدیشان آموخته است.

از آنهمه گذشته معلوم میشود که زریاب بآنها برخی از خوراکیها و یا خورشهای ایران را معرفی و یا اینکه طبخ نموده و خورانیده. خیلی ممکنست که پاره‌ای از آن اطعمه خوراکیهای شیرین ایران بوده باشد.

از قرآزی که «مقری» مینویسد، زریاب تنها بتأمین ذوق و آداب و اصول طبخ اکتفا نکرده به بزرگان اندلس متعلق بزندگان و نازکی و خوبی حیات، چیزهای دیگری هم آموخته است. چنانکه قبل از ورود مشار الیه بآن اقلیم اهل اندلس موهای خودشان را مانند طایفه زنان از میان فرق سرشان زده و بدو قسم از هم جدا و بالای ابروان پریشان میکردند. زریاب خود و پسراش مانند ایرانیان موهای سر را شانه میزدند و در عقب سر زلف وار جمع میکردند. اندلسیان این عادت (مد) را بر اصول خودشان ترجیح داده و بنای تقلید او و اولادش را

گذاشتند که بدین شکل سر و صورت و ابرو زیباتر بنظر می‌آمد. چنانکه این شکل و این مد تاکنون در میان طبقات رجال فلسفه و ادب، شعرا و موسیقی‌شناسان و خیلی از رهبان باقی مانده و جداً بسیمای مرد، یکنوع جدیت، وقار و ملاحظت می‌بخشد؛ در اروپا در اکثر مجموعه‌های علمی و موسیقی باین اشکال بر خورده میشود. (بقیه دارد)



معارف ایران

اصلاحاتیکه بودجه لازم ندارد

در ضمن اصلاحات معارف بعضی‌ها هست که احتیاج پول و بودجه ندارد و فقط اجرای آنها موقوف بهمت و کاردانی و اطلاعات وزراء و متصدیان امور معارف میباشد. در زمان سابق هر اصلاحیکه پیشنهاد میشد، موانع سیاسی را بهانه میکردند. حالا هم برای عطالت وزارت معارف در اجرای اصلاحات عذر می‌آورند که بودجه معارف اجازه نمیدهد در صورتیکه اولاً بسیاری از نواقص هست که اصلاح آنها محتاج پول و بودجه نیست و ثانیاً چنانکه در بعضی ایالت‌های ایران می‌بینیم، رؤسای معارف، اقداماتی قابل تقدیر و ستایش در ترقی معارف حوزه خود میکنند بدون اینکه محتاج بودجه جدید باشند و این خود ثابت میکند که اگر زمامداران امور معارف از اهل اطلاع و لیاقت بوده و عشق خدمت بمعارف داشته باشند، هم بسیار اصلاحات و تجدیدات در احیای معارف بعمل می‌آورند و هم وسایل اجرای آنها را نیز پیدا میکنند!